(اداره روزنامه)

در مدرسه مبارکه مزینیه طهران خیابان ناشین در خیابان معروف بخیابان اسعد الدوله نمره ۱۲

صاحبه امتیاز و مدیره مسئوله مزین السلطنه صبیه مرحوم آقا میرزا سید رضی رئیس الاطباء

لوایح و مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد پذیرفته و درج خواهد شد و اداره در حک و اصلاح آن مجاز و مختار است مکتوبات بی امضا پذیرفته نمیشود

سال چهارم

{ باد آمد و بوی عنبر آورد }
{ بادام شکوفه بر سر آورد }

شکوفه

تک نمره صد دینار

(قیمت اشتراک)

در طهران	
یکساله	هشت قران
ششماهه	پنجقران
سه ماهه	سه قران
سایر ولایات	
یکساله	۱ تومان
ششماهه	۶ قران
ممالک خارجه	
یکساله	۸ فرانک
اعلانات	
سطری	ده شاهی

روزنامه ایست اخلاقی ادبی حفظ الصحه اطفال خانه داری بچه داری مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان راجع بمدارس نسوان عجالتا ماهی دو نمره طبع میشود

لئن شکرتم لازیدنکم

شکر و سپاس و ستایش سزاوار ذات احدیت است که توفیق و مکرمت عطا فرمودند باین لاشئی و ناچیز که سال سوم شکوفه را با تمام رسانیده و تفکرات و تخیلات دماغی خود را که سالها در خزانه متفکره و متخیله آرامش داشت و در اداره حافظه مشغول زینت و آرایش بود از عالم قوه بتوسط قدرت قلم تحریر و فلسفه بیان و تقریر در صفحه و لوحه جریده شکوفه بمقام فعلیت در آوردم و به آرزوی مرام خویش نایل و با وجود همه عوایق و موانع و ضرر و خسارات و خطرات دلشاد از آنم که موفق شدم بر اینکه خدمتی بنوع خود بنمایم و این افتخار را که مایه اعتبار و فایده حوزه انسانیت و مجمع هیئت بشریت است بقدر قوه و استعداد از خود سلب ننموده بلکه زیاده از وسع و طاقت جد و جهد در پیشرفت ترقی و تعالی و دانش و بیداری خفتگان جهل و نادانی بر آمدم که دنیا و منافع آنرا بقائی و ثباتی نیست که در هر ساعتی بلکه هر دقیقه اهل خرد و هوش تجربه کرده اند فقط فایده آنکسی برد که خادم جامعه بشریت و مستخدم حوزه انسانیت باشد و تا دم آخر و نفس اخیر هادی راه و شناساننده چاه و جاه و باندازه وسع و طاقت راحت و رفاهیت و تربیت و مدنیت و علم و معرفت و مکنت و ثروت و شرافت هیئت اجتماعیه را فراهم آورد و زحمت و شرکت در امورات کمیابی حیاتی را فرض ذمه خود قرار داده و الحمد لله از تفضلات حضرت حجت ع در ظل مرحمت سلاله سلاطین عجم وارث تاج و تخت فریدون و جم یادگار دودمان پادشاهان کیان مجری عدل و داد انوشیروان شاهنشاه ممالک محروسه ایران السلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه و ابد الله جده بانجام موهبت عظمی فایق شدم و گوی خدمت بانوع و سعادت را ربودم و بنشر سال چهارم جریده شکوفه موفق شدم و ابدا ریزه خوار نعمت کسی نبودم و از خرمن کسی خوشه بر نچیدم و باندازه فهم قاصر خود مطالب علمی و اخلاقی و حفظ الصحه و طریقه مراوده و معاشرت و وضع و ترتیب مدارس و تربیت دوشیزه گان و سلوک زنان با مردان و سایر مطالب دیگر دستور العمل دادم و در مرکز و داخله و انظار اجانب و خارجه حسیات و ملکات

و ادراکات دماغیه خود را بصحت و جدیت بجلوه دادم که همسایه‌گان توهین و دسائس امکانند که بنیان زنان ایران مانند عمارت ویران است و بنیانی و حدودی و پایه و مایه و روزنامه و جریده و علم و معرفتی ندارند و در این امر خبر و رویه و رفتاری که سیر و سلوک دارم از شخصی فایده و بهره و همراهی و توقعی ندارم مگر اینکه از آقایان خبیر و بصیر و خوانین محترمه خواهش مندم که قدر این مقام و مرتبه و خدمت را بشناسند و بچشم حقارت و عداوت باین بضاعت مزجات نظر ننمایند زیرا که هنر بچشم عداوت بزرگ ترعیب است بلکه بمفاد (الجواد قد یکبو والصارم قد ینبو والذکی قد یخطی) بدیده محبت و رضا بنگرند و هر گاه عیبی و نقصی مشاهده نمایند عفو و بخشش که شیوه کرام است مجری دارند و مدیره را در معرض رجم و هجو بر نیاورند بلکه اطلاع دهند تا از نقص بری و از عیب عری گردد پر واضح است که هر کس بقدر فهم و دانش خویش سخن سرآید و فوق کل ذی علم علیم و بقدر استعداد خود مطالب براند و کل اناء بالذی فیه یترشح

از کوزه همان برون تراود که در اوست

ادبیات

اثر خامه آقای ادیب الممالک

یکبیق شده از شکوفه چون مینو
از لاله امل و از گل خوشبو
این سال چهارم است کآمد باز
گل در صف باغ و آب اندر جو
امسال شکوفه را بیارایند
باد سحر از نسیم عنبر بو
امسال زند شکوفه از خوبی
بر زهره و ماه و مشتری پهلو
آره بچمن بنفشه و سنبل
بارد بورق زبر جدوار لؤلؤ
امسال شکوفه در چمن امکنند
آوازه لا اله الا هو
در پیش شکوفه خم شود در باغ
هم قامت سرو و هم قد نارو
آن کیست که همسری کند باری
یا لاف برابری زند با او
با قدس مسیح چون کند شیطان
با چوب کلیم چون زند جادو
در پیش شکوفه غنچهٔ خندان
در پیش شکوفه لاله خودرو
شمعی است فروخته بر خورشید
برجی است فراخته بر بارو
گر شیر شود جهود نتواند
زین نامه دقیقه گرفت اهو
زیب از قلم هزیق دارد
این نامهٔ نغز دلکش دلجو
خاتون بزرگوار با فره
با موی سیر و شبسار با ابرو
ان غیرت گلشن بهار از طبع
انگیخته فرشته بهشت آزخو
حلی بلماز کبریش جادر
خنسا بنیاز بوسدش زانو
صفوت زصفای طبع نامش را
تعویذ کند چو حرز بر بازو
خیرات حسان بطرهٔ مشکین
رو بهد همیشه خاکش از مشکو
زین نامه دلربا بیاموزد
هر حسا زن پارسای کند بانو
در بیت حیا پرستش طفلان
در مهد نشاط دلبری از شو
هر کس ورق از آن فرو خواند
بر طاعت حق همی شود خشنو
بی پرده چو قل حدیث فرماید
بی راز کند چو غنچه تو در تو
چون سال چهارمین این دفتر
تو گشت بفال فرخ و نیکو
کلکم ادیب بهر تاریخش
زیبا و ستوده مصرعی بر گو
افزود بکی بران سپس گفتا
(یکبی‌شده از شکوفه چون مینو)
۱۳۳۴

شده ۳۰۹

از ۸

شکوفه ۴۱۱

جون ۵۹

میاو ۱۰۶

۱۳۳۳

یك عددیهٔ فزایانه ۱۳۳۴

حیثیات زن و محسنات ازدواج

اکر چه بمصداق اول آیه معجز شمول (الرجال قوامون علی النساء) مردان را بر زنان بسی مزیت وشرافت است و در حقیقت مدار و بنای اساس عالم منوط بیذل همت و صرف غیرت آنان است و هر امر کثیرالشاقه فوق الطاقه پرخطری بر عهده مردان مقرر است و بکلی طایفه نسوان از تحمل این قبیل مخاطرات وارده ایمن و مستثنی هستند چنانکه در صفحات تواریخ سالفه و قرون وسطی و حاضره خیلی کم و نادر نشان داده که جماعت نسوان مباشر امر خطیر از قبیل غزو و حرب شده شاکی السلاح رو بجنك نهند و تن بمرك دهند همیشه این مخاطرات اختصاص بمردان داشته است و همچنین در امر فلاحت و زراعت که یکی از امور مستصعبه مشکله دنیا است اینز از عهدهٔ زنان خارج و بعهده مردان راجع است و اینز اغلب از صنایع مستظرفه و بعضی کار های پر زحمت ازقبیل بنائی و قنائی و فعله کی و حمالی و غیره و غیره هموار. زنان درمهد آسایش و راحت غنوده و در سایه سلامت و امنیت آسوده اند واز حاصل زحمات و دست رنج مردان تعیش و زندکانی می نمایند با اینحال منافع و فواید وجود طایفه نسوان نیز در عالم بشریت بقراری است که می توانم عرض کنم که آن زحمات شاقه پر مخاطره مردان در جلب منافع زنان تحت الشعاع واقع است و مردان غیرتمند خود آن زحمات شاقه فوق الطاقه را برای حصول آسایش زنان بتصور منافع خودشان استعمال می نمایند

اولا این نکته از بدیهیات و مسلمات اولیه است که وجود زن سبب بقای نسل بنی آدم و انتظامات زندکانی عالم است کفتن بذر و حصول محصول لایق منوط بمزرع و زمین قابل است رحم پاك زنان است که قبول نطفه نموده مردان را از حیز وجود در آورده و در عالم شهود عرض اندام می دهد شاهد این بیان فرموده حکیم امجد فردوسی علیه الرحمه و لمجیه زنان است که می فرماید

زنان را همین بس بود یك هنر
نشینند و زایند شیران نر

وثانیا وجود زن ومشارکت او در اساس خانه داری تعیش وزندکانی صورت می بندد از آن است که در موضوع ازدواج از طرف انبیاء عظام وحکمای بزرك تأکیدات بلیغه صریحهٔ شده است و بدلایل قویه وحکمت طبیی تجرد را منع فرموده اند بازهم عرض می کنم که وجود بنی آدم و بقاء کافه اقوام وامم فقط بقانون ازدواج بر پا و محکم است

اساس جمعیت بشریه و اتحاد افراد انسانیه را از دواج رابطه الفت ومحبت است

نتیجه ازدواج حیات و ثمره محبت و الفت و آسایش وراحت است صحت واقعه برمال واسرار ازدواج کشف ومبین است ومقصد ازازدواج بقاء عمر وصحت و تکثیر نوع وسلسله عشق ومحبت و علاقه الفت و پیوند وجاذبیت را بانفوس می پوطند — ازدواج خادم مدنیت وانسانیت وهادم بنیاد سفاهت وسفالت است که در کوشه خلوت وبحال وحدت زندکی را بسر برد بلکه مجبور است باقی نوع خود متفق و اراهکاهی تربیت داده تعیش نماید و حصول اجتماع را وجود مرد وزن لازم وبقاء آن بازدواج موقوف و منحصر است لهذا ازدواج رااز رکن اعظم انسانیت شمرده اند برای اخلاق حسنه حافظ و توانا و برای طریق معیشت رهرو ودانا است از ازدواج تکثیر نوع و از این وسیله خدمت وطن وهموطنان واداء وظیفه انسانیت و اطاعت قانون طبیعت صورت حصول می پیوندد در منع از تجرد امر محکم حضرت ختمی مرتبت علیه افضل الصلوات والتحیات که می فرماید (لارهبانیه فی الاسلام) کافی است باین تفصیل الکس که میخواهد اقدام در امر ازدواج نماید لازم است دقت وافی در انتخاب و اختیار همسری بکند که بتواند عمر کرانمایه خودرا درمعیت او بخوشی صرف نماید واین جفت باید دارای شرایط قابل باشد تا لایق ازدواج کرده

اولا زن قطع نظر از شرافت حسب ونسب فطرة باید

دارای نجابت ذاتی و حیا و شرم جبلی باشد که گوهر گران بهای عصمت و عفت را قدر دانسته بمفت از دست ندهد.

و ثانیا متصف بصفات حمیده و اخلاق پسندیده باشد که زوج او بتواند یک ثلث عمر خود را با او براحت صرف نماید.

و ثالثا بهره وافی از علم خانه داری و اموری که مربوط بزنهای نجیبه است داشته باشد بخصوص در امر پاکیزگی و نظافت که اولین وظیفه خانه داری است.

ورابعا دارای سواد و خط بقدر کفایت باشد که بواسطه مراجعه بکتب اخلاقیه اخلاق خود را مهذب وضمنا بروش مسائل دینیه و تکالیف زندگانی عارفه گردد پس لازم است که اهتمام کرد چنین زنی بدست اورد که روزگار را با او بخوشی صرف نمود خانمهای محترم اگر بخواهند که بی شوهر نمانند و در کنج عزلت ننشینند لازم است که خود را بصفات حسنه فوق موصوف داشته تا بی مشتری نمانند و زندگانی را بتجرد و تلخی صرف نکنند و از لذاید دنیا که عبارت از شوهر و اولاد است بی بهره نگردند

(العبد مهدی دبیر خاقان)

در عوارضاتی که در زنان حامله در ایام حمل ظاهر میشود

در نمره قبل عرض شد که در واقع حمل و آبستنی مرضی است سخت که در زنان عارض میشود در این مدت معین و بحران این مرض بوضع حمل است یا به بحران جلد یا به بحران ردی ولی این مرض در بر دارد امراض دیگری را باشتراک و تابعیت مثل بیماری هائی که در اثنا فوق العاده پیدا می شود که بعضی از آنها ذکر شد ولی عادت بر این جاری شده است که امراضی که در زمان حمل در زنان عارض می شود هر قسم باشد اهمیتی و شانی باو نمیدهند نه خود حوامل و نه پرستاران و هر چیزی که پیدا می شود می گویند از آبستنی است نقلی ندارد وقتی زائید خوب میشود و این مطلب اشتباه و غلط بزرگی است اولا ممکن است که زن حامله مثل سایر مردم به بعضی از امراض مبتلا شوند که دخلی بحمل نداشته باشد مثل ذات الریه یا ذوسنطاریا یا آبله یا سرخجه یا مخملک یا دیفتری یا تیفوئید و کذلک الیمه بدون تهاون و غفلت و در کمال عجله بدون معطلی و تاخیر باید بطبیب حاذق رجوع بنمایند زیرا هر مرضی که شما فرض کنید در زنان حامله خطر و اندیشه او زیاد تر است هر که باین عقیده عوامانه مداهنه و مسامحه شود بی چاره مادر و اولاد هر دو از زندگی مایوس و یا اموات مانوس و دیگر حسرت وافسوس فایده ندارد

در هر صورت امراضی هم که از عوارض حمل است این قسم نیست که با حمل توام باشد و ابدا چاره پذیر نباشد بلکه خیلی از امراض است در ایام حمل که وقتی بطبیب رجوع شد بتدابیر لازمه یا خوب می شود یا از خطر میگذرد بعضی را عرض کردم و بعضی ها باقی است از آنجمله امتلا است که اغلب زنان در ایام حمل مبتلا می شوند مخصوص از ماه هفت بان طرف اولا باید دانست که مقصود از امتلا نه آن است که در میان عامه الناس معروف است که پری معده ورو ده باشد این امتلاء غذائی و پرخوری است که از موضوع ما خارج است بلکه مقصود از امتلاء تغییر در کمیت و کیفیت خون است باین قسم که کلوبول و کربیات خون زیاد می شود

باقی در آتیه

اعلان

عمارات مسکونی جناب مشیر افخم وزیر تالیفات مشتمل بر چهار دست حیاط اندرونی و بیرونی و حوضخانه و حیاط نارنجستان و یک خلوت که مشتمل بر پنجاه باب متجاوز اطاق عالی و متوسط و مجموعا قریب بدو هزار ذرع مضروبی و واقع در کوچه چاپخانه محله چاله میدان و مستغنی از شرح و بیان است چون وزیر تالیفات که خیال تغییر منزل و قرب به پاره اماکن دارند اجاره یا فروش میدهند هر کس طالب باشد بجناب حاجی قوام الحکما که ازدیک بان عمارات هستند اطلاع بدهد

اعلان تغییر مکان

این جانبه از کوچه شفیع زاده نمره ۱۴ تغییر مکان داده در دروازه قزوین خیابان ارامنه کوچه اول دست چپ نمره ۱۰ منزل نموده ام معلمه کل مدارس نسوان نور الدجی

طهران مطبعه دولتی